

# تاریخ ایران

(امپراتوری تفکر)

مایکل آکس وورش

مترجمان:

علیرضا حسینی؛ مهرداد مهاجر

نشر میداندیش

|                     |                                                                                        |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : اکسورثی، مایکل، Axworthy, Michae                                                     |
| عنوان و نام پدیدآور | : تاریخ ایران: امپراتوری تفکر/ مؤلف مایکل اکسورثی، مترجمان علیرضا حسینی، مهرداد مهاجر. |
| مشخصات نشر          | : تهران: معیار اندیشه، ۱۳۹۴                                                            |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۳۶ ص.                                                                               |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۶۲-۸۸-۳                                                                    |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                                                                                 |
| یادداشت: عنوان اصلی | : A history of Iran: empire of the mind, c2008.                                        |
| عنوان دیگر          | : امپراتوری تفکر: امپراتوری اندیشه: تاریخ ایران.                                       |
| موضوع               | : ایران — تاریخ                                                                        |
| شناسه افزوده        | : حسینی حاجی، علیرضا ۱۳۵۷-، مترجم                                                      |
| شناسه افزوده        | : مهاجر، مهرداد، ۱۳۴۷-، مترجم                                                          |
| رده‌بندی کنگ        | : الف ۱۳۹۴ / الف ۷۵ / الف ۱۰۹ DSR                                                      |
| رده‌بندی ربی        | : ۹۵۵                                                                                  |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۹۸۳۰۸۳                                                                              |

| نام کتاب                                   | نشر معیار اندیشه                        |
|--------------------------------------------|-----------------------------------------|
| تألیف                                      | ۶۶۴۰۹۵۸۸ - ۶۶۴۹۵۷۹۷                     |
| مترجمان                                    | : تاریخ ایران (امپراتوری تفکر)          |
| صفحه آرای: جهان‌تاب                        | : مایکل اکسورثی                         |
| نوبت چاپ                                   | : مترجمان: علی رضا حسینی - مهرداد مهاجر |
| شمارگان                                    | : اول: ۱۳۹۵                             |
| بهاء: ۲۰۰۰۰ تومان                          | : ۵۰۰ نسخه                              |
| شابک                                       | : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۶۲-۸۸-۳                     |
| » کلیه حقوق این ترجمه برای ناشر محفوظ است« |                                         |
| www.meyarbooks.com                         |                                         |

## فهرست مطالب



| عنوان                              | صفحه |
|------------------------------------|------|
| پیش‌گفتار.....                     | ۹    |
| نوزایی چشمگیر مفهوم ایران.....     | ۹    |
| <b>فصل ۱: خاستگاه‌ها</b> .....     | ۱۵   |
| زرتشت، هخامنشیان و یونانی‌ها.....  | ۱۵   |
| مادها و پارسیان.....               | ۱۹   |
| پیامبری که خندید.....              | ۲۰   |
| کوروش و هخامنشیان.....             | ۲۷   |
| قیام مذهبی.....                    | ۳۵   |
| تأسیس دوباره امپراتوری.....        | ۳۸   |
| امپراتوری و یونانی‌ها.....         | ۴۲   |
| مقدونیه ثمره عجیب.....             | ۴۶   |
| <b>فصل ۲: احیای ایرانیان</b> ..... | ۵۳   |
| پارتی‌ها و ساسانیان.....           | ۵۳   |
| سوارکاران جنگجو.....               | ۵۴   |
| رقیب بزرگ روم در شرق.....          | ۵۹   |
| خورشید شکست‌ناپذیر.....            | ۶۵   |

|    |                         |
|----|-------------------------|
| ۶۹ | احیای پارسیان           |
| ۷۵ | پیامبر ناشناخته         |
| ۸۰ | از سر گرفتن جنگ         |
| ۸۴ | کشمکش انقلاب و عشق آزاد |
| ۹۱ | خسرو انوشیروان          |
| ۹۴ | خسرو پرویز              |

|     |                                     |
|-----|-------------------------------------|
| ۹۹  | فصل ۳: امام زین العابدین و تهاجم‌ها |
| ۱۰۱ | حضرت محمد (ص)                       |
| ۱۰۴ | فتوحات اعراب                        |
| ۱۰۸ | امویان و عباسیان                    |
| ۱۱۸ | مست عشق: شعرا و صوفیای ترک و مغولان |
| ۱۴۰ | نقطه اوج: مولوی، عراقی، سماع و حافظ |
| ۱۵۰ | تیمور                               |

|     |                      |
|-----|----------------------|
| ۱۵۷ | فصل ۴: تشیع و صفویان |
| ۱۵۸ | خاستگاه تشیع         |
| ۱۶۴ | صفویان               |
| ۱۷۰ | شاه عباس کبیر        |

|     |                                                      |
|-----|------------------------------------------------------|
| ۱۸۱ | فصل ۵: سقوط صفویان، نادرشاه: فترت قرن هجدهم میلادی و |
| ۱۸۵ | قیام افغان‌ها                                        |
| ۱۸۸ | بنده تهماسب                                          |
| ۱۹۲ | نادرشاه                                              |
| ۲۰۳ | نقشه‌های جدید جهنم                                   |
| ۲۰۷ | جنگ از سر گرفته می‌شود                               |
| ۲۱۱ | تغییر مذهب: بذر انقلاب                               |
| ۲۱۴ | فتح‌علی شاه                                          |
| ۲۱۶ | برخورد با غرب: دیپلماسی و جنگ                        |

|                                                     |     |
|-----------------------------------------------------|-----|
| فصل ۶: بحران در سلسله قاجار، انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ و ... | ۲۲۷ |
| فرقه بابی، ناصرالدین شاه و امیرکبیر                 | ۲۲۹ |
| خواهران زشت‌رو: روسیه، بریتانیا و امتیازها          | ۲۳۱ |
| سیدجمال‌الدین اسدآبادی                              | ۲۳۷ |
| شیب ملایم به سوی انقلاب                             | ۲۳۹ |
| مشروطه                                              | ۲۴۳ |
| شاهزاده‌ای سوار بر اسب سفید                         | ۲۴۹ |
| پارس، نفت، ناو جنگی و جنگ جهانی اول                 | ۲۵۲ |
| عدم توافق ایران و انگلیس و رضاخان                   | ۲۵۶ |
| فصل ۷: پهلوی‌ها و انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی            | ۲۶۳ |
| مرد عمل                                             | ۲۶۴ |
| نقاب‌های جدید، همان حوادث رشت‌روی قدیم              | ۲۷۱ |
| مصدق                                                | ۲۷۸ |
| حکومت محمدرضاشاه و انقلاب                           | ۲۸۳ |
| امام خمینی                                          | ۲۸۸ |
| شکوفایی و توسعه صنعت نفت                            | ۲۹۰ |
| انقلاب                                              | ۳۰۳ |
| فصل ۸: ایران پس از انقلاب                           | ۳۰۷ |
| جنگ                                                 | ۳۱۴ |
| ارتحال و بازسازی                                    | ۳۱۶ |
| اصلاحات                                             | ۳۲۱ |
| فصل ۹: از خاتمی تا احمدی‌نژاد                       | ۳۲۳ |
| امپراتوری تفکر                                      | ۳۳۰ |

## پیش گفتار

### نوزایی چشمگیر مفهوم ایران

هرکس که بداند و نداند که بداند  
اسب خرد از گنبد گردون بپایانند  
هرکس که نداند و بداند که نداند  
نگان خرد خویش به منزل برساند  
هرکس که نداند و نداند که نداند  
در جهل مرکب ابدالدهر بماند

(ناشناس، نسبت داده شده به [خواجه] نصیرالدین طوسی (۱۲۷۴-۱۲۰۱)، که احتمالاً هفت قرن زودتر از دونالد رامسفیلد آن را ارائه کرده است).

تاریخ ایران مملو است از خشونت و درام - تهاجم‌ها، فتوحات، نبردها و انقلاب‌ها. از آنجایی که ایران از اغلب کشورها کهن‌تر و قلمرو آن از بسیاری از کشورها وسیع‌تر است،

این داستان‌ها و قصه‌ها هم فراوان‌ترند. اما تاریخ ایران بیشتر از این‌هاست. در این تاریخ می‌توان ادیان گوناگون، جریانات بانفوذ و تأثیرگذار، جنبش‌های روشنفکرانه و تفکراتی را رصد کرد که همه‌چیز را چه در داخل ایران و چه در فراسوی مرزهای آن و در سراسر دنیا تغییر داده‌اند. امروز ایران بار دیگر توجه همگان را به سوی خود جلب کرده است، لذا شرایط کنونی سؤالات بی‌شماری را برمی‌انگیزد: آیا ایران یک قدرت مهاجم و پرخاشگر است یا یک قربانی؟ آیا ایران همواره کشوری توسعه‌طلب بوده است یا منفعل و در موضع دفاع؟ آیا شیخان ایران مردمانی آرامند یا خشن و انقلابی؟ تنها تاریخ می‌تواند به این سؤالات پاسخ بدهد. ایران یکی از کهن‌ترین و از همان ابتدای امر یکی از پیچیده‌ترین و اندیشه‌ورزترین تمدن‌ها جهان بوده است. در تمدن ایرانی‌ها چنان ابعاد و جنبه‌های فراوانی را می‌توان مشاهده کرد که هر انسانی را در این کره خاکی کم و بیش تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما داستان پی‌ایس ان تمدن و اهمیت و مفهوم تمامی عناصر تأثیرگذار آن نکته‌ای است که غالباً مورد غفلت واقع می‌شود.

سرزمین ایران پر است از تضداد، تناقضات، استثناها. اغلب غیرایرانی‌ها تصور می‌کنند ایران کشور صحراهای سوزان است، در حالی که کوه‌های بلند و سرد، این سرزمین را همچون نگینی در بر گرفته‌اند. این کشور دارای مناظر بسیار زی حاصلخیز و جنگل‌های فراوان نیمه استوایی انبوهی است و به دلیل تنوع آب و هوای گوناگون، دره‌ها، گیاهان و گل‌های رنگارنگ و جانوران گوناگونی دارد. ایران در میان عراق و افغانستان، روسیه و خلیج فارس قرار گرفته است و مردم آن درست وسط خاورمیانه عرب زبان به زبان هندی - اروپایی صحبت می‌کنند. ایران را اغلب به‌عنوان یک ملت منسجم و دارای یک فرهنگ ملی غنی در نظر می‌آورند، اما درواقع تقریباً نیمی از جمعیت این کشور از اقلیت‌های آذری، کرد، گیلک، بلوچ و ترکمن تشکیل گردیده است. از سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، زنان ایران باید پوشش خاصی اسلامی (حجاب) داشته باشند، از همین روی برخی از خانواده‌های ایرانی که قبلاً به دختران خود اجازه کار و تحصیل نمی‌دادند، آنان را به رفتن به دانشگاه تشویق کردند و در نتیجه آمار زنان تحصیل‌کرده به طرز غیرمنتظره‌ای

افزایش پیدا کرد و امروز بیش از ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنان - حتی زنان متأهل - نیز به مشاغل حرفه‌ای روی آورده‌اند.

ایران هنوز هم بخش زیادی از معماری خیره‌کننده خود و نیز سنت‌های هنری از قبیل صنعت حکاکی روی فلز، قالی‌بافی و تجارت در بازار سستی را حفظ کرده است. این مجموعه پیچیده نشانه فرهنگ مدنی اصیل ایران است، با این همه تهران، پایتخت کشور ایران دارد آرام‌آرام خود را در سیمان، ترافیک و آلودگی هوا خفه می‌کند. میراث شکوهمند ادبی ایران، به‌ویژه شعر فارسی را در هیچ کشور دیگری، شاید به استثنای روسیه، نمی‌توان مشاهده کرد. بسیاری از ایرانیان اشعار شعرای مورد علاقه خود را حفظ هستند و تقریباً در صحبت‌های همه ایرانیان می‌توان تکیه کلام‌هایی از شاعران بزرگ این کشور را شنید. شعر همواره لذت‌ها و آسایش‌های زندگی و مضامینی چون زیبایی، گل، و عشق را برای ایرانی‌ها تداعی کرده است. با این همه ایرانیان یک رسم شیعی بسیار قوی و ریشه‌دار هم دارند که آن را در ماه عزاداری و رسم ماهی است که مسلمانان برای شهادت امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند) برگزار می‌دهند. در این مراسم دسته‌های سینه‌زنی با حال و هوایی اندوهبار و حس قوی و قدرتمند سعادت، خیانت و ظلم و جور به راه می‌افتند.

نکته دیگری که در همین ابتدای امر بد نیست در ره آن توضیح بدهم تناقض آشکار بین ایران و پارس است که در واقع یک کشور هستند. کما پارس تداعی‌کننده تصاویر عاشقانه‌ای چون گل‌های سرخ و بلبلان خوش‌آواز در باغ‌های بهارنوه، اسب‌های تندرو، زنان عشوه‌گر، شمشیرهای آخته، قالی‌های جواهرنشان و نعش‌هاست. پذیرا است، اما در رسانه‌های غربی تصویر کلیشه‌ای ارائه شده از ایران بسیار با این تصاویر متفاوت است.

در جنوب ایران استانی به نام فارس وجود دارد که مرکز آن شیراز است. این استان دارای قدیمی‌ترین و باشکوه‌ترین مکان‌های باستانی، از جمله تخت جمشید و پاسارگاد (همراه با شوش در استان خوزستان) است. در دوران باستان، این استان را به واسطه مردمی که در آن اسکان یافتند - یعنی پارسیان - پارس می‌نامیدند و هنگامی که پارسیان امپراتوری عظیمی را ایجاد کردند که بر سراسر این منطقه سلطه پیدا کرد، یونانی‌ها این



سرزمین را امپراتوری پارس خواندند. بعدها اصطلاح پارس توسط یونانی‌ها، رومی‌ها و سایر اروپایی‌ها به تمام حکومت‌هایی که سلسله‌وار بر قلمرویی که امروز ایران نامیده می‌شود حکم راندند اطلاق شد: ساسانیان در دوران پیش از غلبه اسلام بر ایران، صفویان در قرن‌های شانزدهم و هفدهم و قاجارها در قرن نوزدهم. ولی در تمام آن دوره‌ها، مردم این سرزمین، خود را «ایرانی» و کشورشان را «ایران» می‌نامیدند. کلمه ایران از روزگار قدیم وجود داشته و ظاهراً به معنای «اصیل» و با واژه مشابهی در زبان سانسکریت و با اصطلاح «آریان» هم ریشه است. واژه «آریان» بعدها در ایدئولوژی‌های قومی-نژادی در اواخر قرن‌های نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد سوءاستفاده قرار گرفت.

در سال ۱۹۳۵ رضاشاه که می‌خواست حکومت خود را از حکومت منحل و بی‌فایده قاجار که وی جانشین آن شده بود متمایز سازد، از همه سفرای خارجی خواست دولت‌های خود را ملزم سازند که از آن پس در ارتباطات رسمی، ایران را به این نام بخوانند، اما بسیاری از مردم، از جمله حتی از ایرانی‌های خارج از کشور هنوز هم کلمه پارس را ترجیح می‌دهند چون تداعی کلمه پارس با سرکار باستانی و بهتری برای آنها است. من از هر دو واژه استفاده خواهم کرد. البته هنگامی که با دوران پس از سال ۱۹۳۵ سروکار دارم، واژه ایران را ترجیح می‌دهم و از واژه پارس برای سال‌ها قبل از آن استفاده می‌کنم، چون انگلیسی زبان‌ها هم معمولاً همین کار را کرده‌اند. ایرانی‌ها زبان خود را فارسی می‌نامند. این زبان ریشه در گویش ایرانی‌هایی دارد که در منطقه فارس زندگی می‌کردند. این زبان در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای در تاجیکستان و افغانستان (به عنوان گویش دری) رواج دارد و تأثیر قدرتمندی بر زبان اردو که گویش مردم پاکستان و شمال هند است، داشته است. در فصل‌های نخست این کتاب واژه ایرانی به مردمان غیرپارسی و زبان قلمروهای وسیع‌تری چون «پارتی‌ها»، «سغدی‌ها» و «مادها» هم اطلاق شده است.

درباره ایران معاصر و دوره‌های قبل از آن کتاب‌های فراوانی در دسترس هستند. در بسیاری از این کتاب‌ها، کل تاریخ ایران آمده است، از جمله تاریخ هفت جلدی کمبریج که نمی‌توان از آن چشم پوشید و نیز پروژه عظیم دائرةالمعارف ایرانیکا (که هنوز تکمیل نشده،

ولی با این همه از نظر دامنه و عمق پژوهش‌های تاریخی غیرقابل قیاس است و چیزی بیش از تاریخ است). این کتاب قصد ندارد که با آن کتاب‌ها رقابت کند، بلکه اثر من تنها مقدمه‌ای بر تاریخ ایران برای مطالعه در سطح عمومی‌تر و با این دیدگاه خواهد بود که خواننده کتاب یا درباره ایران اطلاعاتی ندارد و یا اطلاعات او بسیار اندک است. همچنین در این کتاب تلاش خواهم کرد برخی از تناقضات تاریخی را شرح بدهم، چون بر این باورم که تاریخ را تنها از این راه می‌توان به شکل مناسبی درک کرد. از این گذشته، به‌خصوص در فصل ۳ که به سراغ برخی از گنجینه‌های شعر کلاسیک فارسی رفته‌ام، تلاش خواهم کرد درباره خاستگاه‌های فرهنگی، فکری و ادبی این سرزمین که تأثیر گسترده و فراوانی نه تنها بر سرزمین‌های خاورمیانه، آسیای مرکزی و هند، که بر سراسر جهان داشته است، توضیحاتی ارائه کنم.